

چنین شخصیتی - آن هم در شرایطی که تهدیدات خارجی در بالاترین سطح خود قرار دارد - نه یک نقد سازنده درون جناحی، بلکه اقدامی در تقابل با منافع ملی و امنیت کشور است. به نظر می‌رسد جریان موسوم به «سوپر انقلابی» بدون درک حساسیت زمانه و بدون توجه به منافع ملی، صرفاً بر طبل رقابت‌های سیاسی خود می‌کوبد و در این مسیر، ناآگاهانه یا عامدانه، برای دشمنی که در حال طراحی عملیات روانی و حتی نظامی است، نقش مکمل ایفای می‌کنند.»

این سایت خبری، دو روز بعد خبری را منتشر کرد که در آن مدعی شده بود، به ریشه عصبانیت تندروها دست یافته‌است. در این خبر که با تیتَر «پشت‌پرده حملات به سرلشکر باقری / تشکیل کمیته هسته‌ای بدون حضور جلیلی؟» منتشر شد، این‌گونه نوشته شد: «شنیده‌های خبرنگار سیاسی «تابناک» حاکی است که به‌تازگی تشکیلاتی پیرامون پرونده هسته‌ای توسط مقامات ارشد نظام به‌کارگیری شده که اتفاقاً اخیراً سردار محمد اسماعیل کوثری از فرماندهان ارشد نظامی سابق که اتفاقاً اکنون نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی است، از کم‌کیف آن گفته است. سردار کوثری در برنامه حضور که با اجرای محمدحسین رنجبران تهیه و تولید می‌شود، پیرامون این کمیته گفته است که یک تیم توسط رهبری ایجاد شده که سیاست‌ها - برای مذاکرات هسته‌ای - را مشخص می‌کنند.»

خبرگزاری تسنیم هم ۱۷ خردادماه گزارشی را منتشر کرد که در آن اقدام به معرفی سرلشکر باقری کرده بود، گزارشی که در پایان آن نوشته شده بود: «او نماینده نسلی از فرماندهان است که نه‌تنها بر سرنوشت امروز نیروهای مسلح تأثیرگذارند، بلکه در تعیین آینده دکترین دفاعی کشور نیز نقش محوری دارند و در روزگاری که ایران اسلامی با تهدیدات متنوع، پیچیده و چندلایه روبه‌روست، حضور شخصیتی همچون سردار باقری در رأس ساختار نظامی، از منظر ثبات، هماهنگی، کارآمدی، مزیت راهبردی بزرگی برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود.»

اما در بین آنچه در فضای مجازی منتشر شد، برای نمونه می‌توان به موردی اشاره کرد که توسط یکی از فعالان اصول‌گرا به‌نام کیوان ساعدی منتشر شد. او نوشته بود: «سردار، باید مدافع باتوم باشید تا کاسه‌های داغ‌تر از آتش با شما کاری نداشته باشند.»

▼ داستان ادامه دارد؟

حمله به چهره‌های شاخص نظام از سوی جریان‌های تندرو، موضوع تازه‌ای نیست و سال‌هاست این روند از سوی آنها دیده می‌شود، اگر در ابتدا فقط آنها همه و حمله خود را متوجه چهره‌های جریان سیاسی رقیب خود می‌کردند، مدتی است محدوده این حمله‌ها بیشتر و بیشتر شده است. شاید نقطه عطف گسترش این رویه تندروها را بتوان هم‌زمان با تغییر دولت در سال ۸۴ و ظهور پدیده‌ای به‌نام محمود احمدی‌نژاد عنوان کرد. رویه‌ای که به‌نوبت، گریبان چهره‌های شاخص جمهوری اسلامی را که حتی گاهی در پی اندک تفاوت‌نظر با جریان تندرو مغضوب آنها کرده بود؛ گرفت و مسیری را ایجاد کرد که نمایشی واقعی از روایتی باشد که اکبر هاشمی رفسنجانی در فیلم انتخاباتی ریاست جمهوری سال ۸۴ به‌نقل از شهید بهشتی بیان کرده بود. در بخشی از این فیلم، هاشمی که روبه‌روی دوربین کمال تبریزی نشسته، می‌گوید: «روزی در جمع یاران به بهشتی گفتم: این تهمت‌های تلخ، آزارت نمی‌دهد؟ نگاهم کرد و گفت: این آسیاب به‌نوبت است، نوبت تو هم خواهد رسید.»

از سال ۸۴ به‌بعد، این روند ادامه داشته و هر چندوقت یکبار، جریان تندرو یکی از چهره‌های شاخص جمهوری اسلامی یا جبهه اصولگرایی را هدف خود قرار می‌دهد. آنها از اکبر هاشمی رفسنجانی و علی اکبر ناطق‌نوری آغاز کردند، به حسن روحانی و علی لاریجانی رسیدند، چندوقت پیش حملات خود را متوجه غلامحسین محسنی‌اژه‌ای کردند و حالا نوبت به سرلشکر محمد باقری رسیده است. به‌عبارتی، اگر در دهه ۸۰، رئیس‌جمهورها و رئیس‌مجلس‌های جریان رقیب هدف حمله بودند، در دهه ۹۰ زمانی رسید که رئیس‌مجلس و رئیس‌جمهور مستقر که اتفاقاً تا چند سال گذشته تقابلی با آنها نداشتند را مورد حمله قرار دادند. جریانی که در دهه اول از سال ۱۴۰۰ و همین چندماه پیش، پس از صدور حکم زندان برای دو وزیر دولت سید ابراهیم رئیسی، به رئیس‌قوه قضائیه حمله کرد و حالا نوبت به رئیس‌ستاد کل نیروهای مسلح رسیده است که مورد حمله آنها واقع شود.

روندی که نشان می‌دهد آنها برای حمله کردن، هیچ خط‌قرمزی ندارند و پله‌پله در حال بالا رفتن هستند؛ به عبارتی روند حرکتی این جریان به این شکل است که هر کسی بر خلاف میل‌شان حرفی بزند یا عملی را انجام دهد، فارغ از اینکه آن فرد چه جایگاه و گذشته‌ای دارد، در لیست حمله آنها قرار خواهد داشت. فعلاً که از رئیس‌جمهور، رئیس‌مجلس و رئیس‌قوه قضائیه به رئیس‌ستاد کل نیروهای مسلح رسیده‌اند اما با دست‌فرمانی که طی ۲۰ سال اخیر داشته‌اند، شاید روزی برسد که هوس قمار دیگری بر سرشان بزند. الان که دولت و دستگاه قضا را از دست‌رفته می‌بینند، اینگونه برآشفته‌اند. دور از انتظار نیست، زمانی که ببینند همه چیز را باخته‌اند، سراغ حمله به ارکان و چهره‌های شاخص‌تر هم بروند.



شاید نقطه عطف گسترش این رویه تندروها را بتوان هم‌زمان با تغییر دولت در سال ۸۴ و ظهور پدیده‌ای به‌نام محمود احمدی‌نژاد عنوان کرد. رویه‌ای که به‌نوبت، گریبان چهره‌های شاخص جمهوری اسلامی را که حتی گاهی در پی اندک تفاوت‌نظر با جریان تندرو مغضوب آنها کرده بود؛ گرفت و مسیری را ایجاد کرد که نمایشی واقعی از روایتی باشد که اکبر هاشمی رفسنجانی در فیلم انتخاباتی ریاست جمهوری سال ۸۴ به‌نقل از شهید بهشتی بیان کرده بود. در بخشی از این فیلم، هاشمی که روبه‌روی دوربین کمال تبریزی نشسته، می‌گوید: «روزی در جمع یاران به بهشتی گفتم: این تهمت‌های تلخ، آزارت نمی‌دهد؟ نگاهم کرد و گفت: این آسیاب به‌نوبت است، نوبت تو هم خواهد رسید.»

حمله به چهره‌های شاخص نظام از سوی جریان‌های تندرو، موضوع تازه‌ای نیست و سال‌هاست این روند از سوی آنها دیده می‌شود، اگر در ابتدا فقط آنها همه و حمله خود را متوجه چهره‌های جریان سیاسی رقیب خود می‌کردند، مدتی است محدوده این حمله‌ها بیشتر و بیشتر شده است. شاید نقطه عطف گسترش این رویه تندروها را بتوان هم‌زمان با تغییر دولت در سال ۸۴ و ظهور پدیده‌ای به‌نام محمود احمدی‌نژاد عنوان کرد. رویه‌ای که به‌نوبت، گریبان چهره‌های شاخص جمهوری اسلامی را که حتی گاهی در پی اندک تفاوت‌نظر با جریان تندرو مغضوب آنها کرده بود؛ گرفت و مسیری را ایجاد کرد که نمایشی واقعی از روایتی باشد که اکبر هاشمی رفسنجانی در فیلم انتخاباتی ریاست جمهوری سال ۸۴ به‌نقل از شهید بهشتی بیان کرده بود. در بخشی از این فیلم، هاشمی که روبه‌روی دوربین کمال تبریزی نشسته، می‌گوید: «روزی در جمع یاران به بهشتی گفتم: این تهمت‌های تلخ، آزارت نمی‌دهد؟ نگاهم کرد و گفت: این آسیاب به‌نوبت است، نوبت تو هم خواهد رسید.»

حشمت‌الله فلاح‌ت‌پیشه، رئیس اسبق کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس و استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، معتقد است رفتارها و سیاست‌هایی که تندروها طی سال‌های اخیر داشته‌اند، باعث شده که کارد آنها به استخوان منافع ملی برسد. او معتقد است تصمیم نظام سیاسی مبتنی بر این است که به دنبال اصلاح مناسبات دولت با مردم حرکت کند و در همین راستا، چون تندروها در حال حاشیه‌نشین شدن هستند، رفتاری چون حمله به سرلشکر باقری را از خود به نمایش می‌گذارند.

«پس از سخنرانی‌ای که اخیراً سرلشکر باقری انجام داده است و در آن جمله «با جامعه در حال تحول نمی‌شود با باتوم برخورد کرد، را بیان کرده، موجی از حمله تندروها به او شروع شده است. به عنوان اولین سوال؛ علت این حمله‌ها به چهره‌های مطرح نظام را از سوی تندروها چه می‌دانید و چه هدفی پشت این حمله‌ها قرار دارد؟ جریانی که حمله را از ناطق‌نوری آغاز کرد، به لاریجانی رسید و حالا نوبت سرلشکر باقری است.

آقای باقری جزء معدود مسئولان امروز کشور است که در تمام جلسات شورای عالی امنیت ملی در ۲۰ سال اخیر حاضر بوده و به همین علت طبیعی است که ایشان به صورت تفصیلی و با جزئیات در جریان مسائل مربوط به امنیت عمومی و رابطه مردم و دولت در ایران قرار داشته باشند. من اعتقاد دارم که به نظر می‌رسد بر برخی از مسئولان نظامی و امنیتی کشور، واقفیات جدید دنیا و جامعه ایران را درک کرده‌اند و به همین دلیل، به دنبال ضرورت اصلاح مناسبات دولت با مردم هستند. تجربه نشان داده است که در سیاست داخلی و همچنین سیاست خارجی، تداوم سیاست‌های جریان افراطی برای کشور آسیب‌زا بوده است و بسیاری از مشکلاتی که امروز ایران با آنها درگیر است، ناشی از وجود یک نوع نگاه افراطی در مناسبات دولت و ملت بوده است. من اعتقاد دارم که به‌رغم برخی جنجال‌های رسانه‌ای که شاهد آن هستیم، حاکمیت در مجموع به این نتیجه رسیده است که تا حد زیادی، سیاست‌های کلی خود را از حوزه افراطیون خارج کند و در نتیجه این تصمیم، افراطیون به تدریج در حال حاشیه‌نشین شدن هستند؛ البته من اعتقاد دارم که عرصه عمومی و افکار عمومی، حتی نگاه حق‌گرایانه و دادخواهانه بیشتری را نسبت به حاکمیت در برخورد با افراطیون دارد و این موضوع را هم بارها نشان داده است. افکار عمومی در ایران، شرایط امروزی که کشور در آن قرار گرفته است را ناشی از بحران‌هایی می‌داند که این تفکر افراطی طی سال‌های اخیر بر ایران حاکم کرده است و به همین علت، افکار عمومی الان خواهان این است که افراطیون پاسخگو باشند. افراطیون باید در قبال تحمیل تنش‌ها، دشمنی‌ها و تحریم‌های خارجی به مردم ایران و نقض آزادی‌های داخلی پاسخ دهند. همانطور که می‌دانیم، بدترین رابطه‌ای که یک نظام سیاسی می‌تواند با مردم خودش داشته باشد، زمانی شکل خواهد گرفت که این رابطه توأم با خشونت باشد. بسیاری از متفکران بزرگ دنیا این واقعیت را در نظر گرفته‌اند که هر گاه خشونت شکل بگیرد، این بدترین رابطه بین مردم و دولت‌ها خواهد بود و همچنین این نتیجه ثابت شده است که هیچ خشونت‌ی در طول تاریخ نتوانسته است که مشروعیت به وجود بیاورد. لذا من اعتقاد دارم که صحبت‌های آقای باقری مبنی بر اینکه باید باتوم را از مناسبات دولت و مردم جدا ساخت، نوعی رسیدن دیرهنگام مسئولان کشور به ضرورت رابطه غیر خشونت‌آمیز با مردم است. به هر حال، تمام مسئولان کشور، مشروعیت و مقبولیت حکومت خودشان را از مردم دارند. بنابراین، آنهایی که طی این چند وقت و پس از بیان آن جمله، به سرلشکر باقری حمله کرده‌اند، افراطیونی هستند که کماکان خواهان تداوم سیاست شکست‌خورده‌ی رابطه خشونت‌آمیز و رابطه با‌توم‌محور با مردم هستند.

«به نظر‌تان این جریان تا کجا پیش خواهد رفت و برنامه‌هایی که آنها در آینده خواهند داشت، به چه صورت خواهد بود و چقدر احتمال دارد که این حملات گسترده‌تر شده و شامل حال چهره‌های شاخص دیگر نظام شود؟

به نظر من، رفتارهای توأم با تهدید و توهین افراطیون که شخص بنده هم از این نوع رفتارها مصون نمانده‌ام و تجربه آن را دارم، آخرین تکاپوی آنها برای فرار از پاسخگویی در قبال گذشته‌است. به عقیده من، جامعه به صورت جدی خواهان پاسخگویی افراطیون در قبال رفتارها و سیاست‌هایی است که در گذشته داشته و انجام داده‌اند. دوران حمله به سفارت‌خانه‌ها، برهم زدن میتینگ‌ها و کنسرت‌ها و حمله به نخ‌بگان سیاسی سپری شده است. به هر حال، چند انتخابات اخیر و فضای سیاسی و رسانه‌ای

پنجشنبه ۲۲ خرداد ۱۴۰۴
سال چهارم - شماره ۸۰۸
www.hammihanonline.ir

نگاه کارشناس

حشمت‌الله فلاح‌ت‌پیشه رئیس اسبق کمیسیون امنیت ملی مجلس:

کارد تندروها به استخوان منافع ملی رسیده است

کشور نشان می‌دهد که تنها دستاورد افراطیون، از بین بردن سرمایه اجتماعی کشور بوده است و در بزنگاه امروز که ایران در چالش جدی در مسائلی مانند موضوع هسته‌ای به سر می‌برد، علت اصلی بی‌تفاوتی ملت را می‌توان این دانست که ملت هنوز نسبت به امکان، استیلای افراطیون بر سیاست نگران است. ما می‌بینیم که افراطیون در شرایط کنونی، بیشترین نقض قوانین کشور را انجام می‌دهند. به عنوان نمونه، مشاهده می‌شود که در حالی که ایران برای کنار زدن سیاست جنگ دونالد ترامپ و اسرائیل، به سمت همکاری با کشورهای عربی پیش رفته است، اما در رسانه ملی و بعد از آن در موسم حج، مشاهده می‌شود که برخی از افراد علیه عربستان و علیه یک مذهب اسلامی دیگر، مواضعی می‌گیرند و حرف‌هایی را می‌زنند که این رفتارها نتیجه خلاف امنیت ملی کشور را در پی دارد. لذا من اعتقاد بر این است که افراطیون برای از پاسخگویی، در ادامه، قانون‌شکنی‌های بیشتری را انجام خواهند داد، ولی هر چه بیشتر این تکاپوی آنها با قانون‌شکنی همراه شود، بیشتر از قبل حاشیه‌نشین خواهند شد.

«تغییر در سیاست خارجی ما و بحث مذاکراتی که در جریان است و امکان بهبود وضعیتی که مطرح شده، چقدر بر این نوع رفتارها تأثیر دارد و باعث عصبانی‌تر شدن تندروها شده است؟

تغییرات در سیاست خارجی، به‌نظر من نتیجه محاسبه دیرهنگام آثار زیان‌بار افراطی‌گری در خارج از کشور بود. یعنی وقتی که نظام سیاسی به این نتیجه رسید سیاست‌های افراطیون در ارتباط با کشورهای دیگر، نه‌تنها منافع ملی را تأمین نکرد، بلکه هزینه‌های متعددی را هم به کشور تحمیل کرد و در نتیجه آن، ایران تبدیل به یکی از پردشمن‌ترین کشورهای جهان شد؛ آن موقع تصمیم بر این گرفته شد که کشور به سمت تعدیل این سیاست‌ها حرکت کند. وقتی که سیاست خارجی تعدیل شود و تنش‌زدایی در دستور کار کشور قرار بگیرد، جریان‌های افراطی عملاً امکان لازم برای حفظ مناصب سیاسی و منافع اقتصادی را از دست می‌دهند؛ لذا من اعتقاد بر این است که رفتارهای افراطی امروز آنها نشان می‌دهد که منافع و مناصب را از دست خواهند داد.

«در صورتی که این رفتارها از سوی تندروها تداوم داشته باشد و آنها همچنان قصد داشته باشند که در سیاست‌های کلان کشور اخلال ایجاد کنند و یا به چهره‌های شاخص نظام حمله کنند، نوع مواجهه‌ای که نظام سیاسی با آنها خواهد داشت، در ادامه کار چگونه خواهد بود؟ آیا باز هم شاهد مداخلات با این افراد و گروه‌ها خواهیم بود و یا تغییری در سیاست مواجهه با آنها ایجاد می‌شود؟

در قسمتی از حرف‌هایم، چند بار مفهوم دیرهنگام را به کار بردم. این تأکید بر دیرهنگام بودن به این علت است که کارد افراطیون به استخوان منافع ملی رسیده و به همین علت است که حمله به آقای باقری را شاهد بودیم. لذا ما می‌بینیم که عملاً دیگر امکان لاپوشانی آثار منفی افراطی‌گری در سیاست داخلی و خارجی وجود ندارد. به ویژه اینکه روزبه‌روز اخباری منتشر می‌شود که بسیاری از این افراطیون، در لوای شعارهایی که طی سال‌های سال فریاد زده‌اند، منافع خودشان را دنبال کرده‌اند و بخشی از آنها، گرفتار پرونده‌های فساد بوده‌اند. به اعتقاد من، این افراطیون چون برای ماندن در سیاست هیچ نوع برنامه مبتنی بر سازندگی ندارند و تنها سوار بر موج تنش و خشونت هستند، لذا در آینده این تنش با سیاست کلی کشور در تناقض قرار خواهد گرفت، زیرا سیاست کلی کشور، پایان دادن به تنش‌های خارجی و ایجاد رابطه مبتنی بر سرمایه اجتماعی و اقعاع در داخل است. بنابراین به طور طبیعی، رفتارهایی که خلاف این جریان تنش‌زداصورت بگیرد، در داخل به عنوان رفتارهای غیرقانونی سرکوب خواهد شد.

«این امکان وجود دارد که در راستای مواجهه با تندروها، شاهد این باشیم که پست‌های انتصابی که آنها در اختیار دارند هم یک به یک گرفته شده و دست آنها از جایگاه‌های مختلف کوتاه شود؟

در عصر حاضر، شاهد وقوع نوعی نواواقع‌گرایی هستیم. در عصر نواواقع‌گرایی، چیزی که مهم است میزان توانایی کشورها و توان عملی کشورها در جهان است. به عنوان مثال، اگر با این دید نگاه کنیم، در حوزه‌هایی مانند رسانه ملی، رابطه برخی نهادهای افراطی با مردم، ایجاد سرمایه اجتماعی، دیپلماسی عمومی و حتی در حوزه یافتن کشورهای دوست در جهان، عملکرد افراطیون به شدت ویرانگر بوده است. بنابراین، من اعتقاد دارم که نظام چاره‌ای ندارد جز اینکه مناصب داخل و خارج را بر اساس نوعی کارکردسنجند و اگر این مناصب و اختیارات براساس حضور این افرادسنجیده شود، عدم مشروعیت بسیاری از صاحبان منصب افراطی روزبه‌روز بیشتر افشا خواهد شد.



سیاستمداران



خشونت علیه زنان مغایر با قانون اساسی است

جبهه اصلاحات ایران در واکنش به خشونت علیه زنان بیانیه‌ای صادر کرد. در بخشی از این بیانیه به تأکید بر اینکه تحقق عدالت اجتماعی بدون به‌رسمیت شناختن حقوق برابر زنان و مردان و مقابله مؤثر با خشونت و تبعیض سیستماتیک علیه زنان، امکان‌پذیر نخواهد بود آمده است: «تداوم خشونت علیه زنان در اشکال مختلف، مغایر با اصول ۲۰ و ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تعهدات اخلاقی و بین‌المللی ما در حوزه حقوق بشر و آموزه‌های انسانی و اخلاقی اسلام و انقلاب اسلامی است.» در این بیانیه اعضای جبهه اصلاحات خواستار اقدام فوری، قاطع و مسئولانه در زمینه‌های متعدد شدند، از جمله تصویب فوری قانون جامع تأمین امنیت زنان در برابر انواع خشونت و در این زمینه تصریح کردند: «ما بر ضرورت تصویب قانونی جامع، کارآمد و دارای کفایت حقوقی تأکید داریم؛ قانونی که تعاریف روشنی از اشکال مختلف خشونت ارائه دهد، سازوکارهای حمایتی مؤثر برای قربانیان فراهم کند، نهادهای مدنی را برای کنشگری فعال توانمند سازد، تمام دستگاه‌های مسئول را مکلف به پیشگیری، مداخله و حمایت عملی از زنان خشونت‌دیده نماید.» جبهه اصلاحات همچنین خواهان اصلاح قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان در حوزه‌های مختلف نیز شد و در این بیانیه نوشت: «ما بر لزوم برگزاری انتخابات آزاد و تشکیل مجلسی بر خوردار از پشتوانه اجتماعی، به‌منظور قانون‌گذاری با رویکرد عدالت‌محور و رفع تبعیض‌های حقوقی علیه زنان، تأکید داریم. اصلاح قوانین مربوط به ارث، دیه، قصاص با بهره‌گیری از ظرفیت فقهی مراجع دینی، بازنگری در حق طلاق و ولایت منحصر به مردان، رفع محدودیت‌های اشتغال و مشارکت سیاسی زنان و تجدیدنظر در نگاه‌های تبعیض‌آمیز در نظام کیفری و مدنی، نه‌تنها نشانه‌ای از بلوغ حقوقی جمهوری اسلامی بلکه گامی مهم در مسیر تحکیم خانواده، افزایش سرمایه اجتماعی و تضمین بقای نظام خواهد بود.» در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: «سؤال اساسی این است: در نظامی که خود را متعهد به اسلام می‌داند، چرا باید شاهد انواع تبعیض‌های ساختاری علیه زنان باشیم؟ عدم رسیدگی قضایی شفاف و قاطع به پرونده‌هایی همچون اسیدپاشی به زنان، مسمومیت‌های زنجیره‌ای دانش‌آموزان دختر که مقام معظم رهبری آن را «جنایتی بزرگ و غیرقابل اغماص» دانستند و جنایت‌های هولناکی چون قتل فجیع الهه حسین‌نژاد، زنگ خطری جدی است.» این جبهه در پایان تأکید کرد: خواهان بازنگری شجاعانه و مسئولانه در سیاست‌ها، قوانین و نگرش‌هایی است که زنان را به شهروندانی در جدهو تقلیل داده است: «جامعه‌ای که نیمی از جمعیت آن از حقوق برابر محروم باشند، نه توسعه‌یافته خواهد بود، نه عادلانه و نه اسلامی.»



روابط اسرائیل با غرب بر ملا می‌شود

منوچهر متکی، نماینده مجلس در گفت‌وگو با ایسنا گفت: «به جهت غیرقانونی بودن رژیم صهیونیستی، همچنین نصب سرزمین فلسطینیان توسط این رژیم جعلی، موضع اصولی جمهوری اسلامی محور رژیم صهیونیستی است؛ بر همین اساس نیز طبیعی است که بخش‌های مختلف نظام از جمله بخش اطلاعاتی کشور این رژیم را رصد کند.» او افزود: «سربازان گمنام امام زمان (عج) وزارت اطلاعات در یک کار حرفه‌ای درازمدت و باصبروی کامل این کار را درصدد انجام دادند و توانستند به امکاناتی دست یابند که ما را به اسناد رژیم صهیونیستی رساند؛ نیروهای اطلاعاتی ما صید بسیار پرمالتی را به دست آوردند» متکی اظهار کرد: «اگر چه آقای وزیر بیان کردند که ما از چگونگی این امر سخن نخواهیم گفت اما به گفته او، اسنادی را که به دست آوردند، بسیار ذی‌قیمت است و ماهیت رژیم صهیونیستی و اقدامات این رژیم و همچنین فعالیت‌هایی که توسط این رژیم علیه ما و کشورهای منطقه برآمده و بیزی و انجام شده است و نیز ارتباطات آنها با کشورهای غربی به‌ویژه اروپا و آمریکا را بر ملا می‌کند.»